



خود محوری، خودآرایی و خودآرایی سه خصلت جاهلیت است/ فواید وجود امام

قرآن می فرماید که فکر نکنید جاهلیت منحصر در زمان پیامبر است و فقط در مرزهای جغرافیایی عربستان است. در هر جایی که خودمحوری و اومانیسم باشد جاهلیت هست.

قرآن می فرماید که فکر نکنید جاهلیت منحصر در زمان پیامبر است و فقط در مرزهای جغرافیایی عربستان است. در هر جایی که خودمحوری و اومانیسم باشد جاهلیت هست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه یازدهم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

ما تا جلسه گذشته شش مورد از ویژگی های امام را بیان کردیم.

هفتمین ویژگی این است که لااقل و رد الیه و اخذ منه؛ ما در اموری که مشکل داریم یا در آن نزاع داریم به امام رجوع کنیم. کما اینکه در آیه شریفه می فرماید لااقل یا ایها الذین آمنوا اطیعواالله و اطیعواالرسول و اولی الامر منکم؛ در ادامه می فرماید وقتی در هر مسئله ای با هم نزاع دارید، آن را باز گردانید به خدا و پیامبر، یعنی مرجع حل مسئله شما خدا و پیامبر باشد. لااقل قان تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ قَرُّوْهُ اِلَی اللّٰهِ وَالرَّسُولِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ؛ این کار را هم هر کسی نمی تواند انجام دهد جز کسی که به خدا مومن است.

از همین باب ما در هر مسئله ای که اختلاف می خوریم باید آن را به امام بازگردانیم و جواب را از امام بگیریم. هم ارجاع به امام و هم اخذ از امام است.

این قطعه که عرض می کنم مربوط به زمان معتصم است. دزدی را آوردند که می خواستند او را حد بزنند. حد دزدی در قرآن این است که دست فرد قطع شود. بین دانشمندانی که در محضر معتصم بودند نزاع شد که یک عده می گفتند دست را مثلا از مچ قطع کنیم که به سوره ۴۳ سوره نسا استشهاد کردند. عده دیگری از دانشمندان معتقد بودند دست را باید از آرنج قطع کنیم و آنها هم به سوره مائده آیه ۶ استشهاد کردند.

معتصم گفت به سراغ امام جواد(ع) بروید. خودش هم می داند که اگر امام در کنار قرآن نباشد نمی شود حقیقت قرآن را درک کرد. حضرت فرمودند فقط ۴ انگشت باید قطع شود. همه تعجب کردند. حضرت به سوره جن آیه ۱۸ استشهاد کردند که لااقل فان مساجد لله؛ یعنی محل های سجده از جمله کف دست ها و پیشانی و... برای خداست و آنها را نمی توان قطع کرد، پس فقط انگشت ها را می توان قطع کرد.

امام در تعریف معنای ید به آیه ای اشاره کرد که اصلاً کلمه ید در آن نیست و همه ساکت شدند و پذیرفتند که درست ترین معنا هم این است.

در دیدگاه امامیه، امام تا اینجا نفوذ دارد که لااقل و رد الیه و اخذ منه؛

حال این است که آیا انسان می تواند لااقل منا اهل البيت؛ بشود یا نه؟ فقط یک نفر لااقل منا؛ شد و آن حضرت سلمان است و ائمه برای او حریم و شأنیت خاصی قائل بودند.

چرا سلمان لااقل منا اهل البيت؛ شد؟ چه ویژگی ای داشت که پیامبر که لااقل منا؛ منطلق عن الهوی؛ است اینگونه در مورد او فرمود. امیرالمومنین به کمیل می فرماید لااقل تاخذ الا عنا تکن منا؛ امورت را از غیر ما نگیر تا از ما باشی. پس اگر کسی بخواهد لااقل منا اهل البيت؛ باشد راهش این است که اخذ امور فقط از اهل بیت باشد.

اخذ امور یعنی اینکه همین سبک زندگی و در تمام شئون زندگی مسائل را از امام بگیریم. زندگی هر انسانی مسئله دارد و مرجع آن باید امام باشد. از ازدواج و کاسبی و... باید از امام اخذ شود.

هفت ویژگی بیان شد را که امروز هفتمین آن را بیان کردیم. علاوه بر این ویژگی ها بحث مهمتری در موضوع امامت مطرح می شود که فوائد وجود امام است. من به چند مورد در این جلسه اشاره می کنم و از بحث نتیجه می گیرم.

ما در تعریف امام با دیگران متفاوتیم. ما در ویژگی های امام با دیگران متفاوتیم. دیگران هیچ ابایی ندارند که بگویند امام ما یزید مشروب خوار و میمون باز است چون برای او ویژگی قائل نیستند.

ما با دیگران در بینش خود نسبت به امامت بنا بر قرآن و سنت پیامبر متفاوتیم و این تفاوت یک تفاوت اصلی است و اقتضا می کند که پیرامون آن حتما پژوهش بکنیم. ضرورت پژوهش در مورد امام زمان از اینجا شروع می شود چون بینش امامیه متفاوت با دیگران است. تفاوت ریشه ای و ماهوی است نه اینکه تفاوت در جزئیات باشد و یا این تفاوت تاریخی باشد.

ما می خواستیم ضرورت پژوهش در مورد امام عصر را بیان کنیم که آیات قرآن و روایات را ذکر کردیم و در حیطه عقل ضرورت وجود امام، تعرف و ویژگی های امام را بیان کردیم و حالا می خواهیم فوائد وجود امام را ذکر کنیم.

اسلام نسبت به ماقبل خود خط بطلان کشید و اسم آن را جاهلیت گذاشت. جاهلیت به معنی نادانی نیست. یکی از خصائص جاهلیت نادانی است ولی مترادف با آن معنا نیست. جاهلیت به این معنی است که انسان ها دچار یک حالت روحی، روانی و نفسانی از درون باشند که پیرو هدایت الهی نباشند. سه خصیصه دارد. خود محوری یا همان اومانیسیم اولین خصیصه است که خودرأیی و خودآرایی دیگر خصائص آن است. در هر سه هم قرآن آیه دارد.

قرآن می فرماید که فکر نکنید جاهلیت منحصر در زمان پیامبر است و فقط در مرزهای جغرافیایی عربستان است. در هر جایی که خودمحوری و اومانیسیم باشد جاهلیت هست.

وقتی پیامبر می خواهد وفات کند، آن مسئله جاهلیت را به عنوان یک تهدید به جامعه مطرح می کند. **إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَقْبَانِ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ**؛ اگر پیامبر از دنیا برود یا کشته شود شما به همان وضع سابق خود باز می گردید؟ وضع سابق یعنی جاهلیت. این به عنوان یک تهدید باقی می ماند که اگر پیامبر رفت ما چگونه زندگی کنیم که ورود به دورن جاهلیت نباشد؟

این روایت که عرض خواهم کرد یک شاخصه است که اگر تو اینگونه زندگی کنی به دوران جاهلیت باز نگشته ای. تواتر این روایت قطعی است و در هفتاد منبع اهل سنت ذکر شده و خود آنها به این معنا اظهار دارند.

پیامبر فرمود **مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيَّةً جَاهِلِيَّةً**؛ یعنی امامت شاخصه این معناست که اگر تو پیرو بودی به دوران جاهلیت باز نگشته ای. دعای بسیار زیبایی از نائب اول امام زمان از ادعیه عصر جمعه ذکر شده است که می فرماید **اللَّهُمَّ لَا تُمَيِّنِي مَيَّةً جَاهِلِيَّةً**؛ یعنی خدایا مرا مرگ جاهلی قرار مده و آن چیزی که می تواند سوپاپ این معنا باشد بحث امامت است.

ما برای امام خود نقش قائلیم، درست است که ظاهر نیست اما حاضر است.

فایده دوم این است که اگر ما گناهی از ما سر بزند، یک سری گناهان هست که فقط با رضایت امام معصوم بخشیده می شود. در جامعه کبیره که سندش قطعی است و مهمترین منبع برای معرفت امام است این عبارت وجود دارد که **يَا وَلِيَّ اللَّهِ اَنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبَا لَا يُعْطَى عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاكُمْ**؛ یعنی ای ولی خدا بین من و خدا گناهی وجود دارد که هیچ چیز جز رضایت شما باعث محو آنها نمی شود.

در ادامه می فرماید **قَيِّحَقِّ مَنْ اِثْمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَ اسْتَرْعَاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَ قَرَنَ طَاعَتِكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُئُوبِي وَ كُنْتُمْ شَفْعَائِي**، قَائِي لَكُمْ مُطِيعٌ؛ پس به حق آن که شما را رازدار خود کرده و سرپرستی کار آفریدگانش را به شما واگذاشته و فرمان برداری از شما را با اطاعت خود، همراه کرده، بخشش گناهانم را [از او] بخواهید و شفیعان من باشید؛ زیرا من فرمان بردار شما هستم.

یک سری گناهان وجود دارد که فقط رضایت امام معصوم نجات بخش آن است. آیا این موضوع در تاریخ رخ داده است؟ بله در کربلا.

امام حسین در منطقه ای به نام قطقطانه به عبیدالله ابن حر جعفری می رسند. این فرد سن بالایی دارد و از دوران

امیرالمومنین بوده است و صفین را درک کرده است. قبل از آن دزد بوده است. در صفین در مقابل معاویه قرار می گیرد و در نهروان در مقابل امیرالمومنین می ایستد. او آدم فاسقی است.

در امالی صدوق آمده است: «ثم سار الحسين عليه السلام حتى نزل الققطقانه، فنظر إلى فسطاط مضروب، فقال: لمن هذا الفسطاط؟ فقيل: لعبيد الله بن الحر الجعفي فارسى عليه السلام فقال: ايها الرجل، انك مذب خاطيء و ان آخذك بما انت صانع ان لم تتب إلى الله تبارك و تعالى فى ساعتك هذه فتنصرونى و يكون جدى شفيعك بين يدى الله تبارك و تعالى.» يعنى امام حسين عليه السلام رفت تا در منزل قطقانه فرود آمد. در آن جا چادری برافراشته دید و پرسید: این چادر از آن کیست؟ گفته شد: عبيدالله بن حر جعفى را است. حسين عليه السلام کس به نزدش فرستاد تا آمد و به او گفت: ای مرد! همین الان، به سوى خداى تبارك و تعالى برگرد و مرا یارى کن تا جد من، در پیشگاه خداوند تبارك و تعالى، شفيع تو باشد؛ اگر چنین نکنی، گنهگار و خطاپیشه خواهی بود. و خداى عزيز و جليل تو را به آن چه مى‌زنى، مواخذه خواهد کرد. امام در اینجا مى‌گوید اگر تو مرا نصرت کنی من از تو راضى مى‌شوم و این همان توبه است نسبت به هر آنچه که تا به حال انجام داده‌ای. به حدى است که جد من شفيع تو مى‌شود.

پس این نمونه تاریخی دارد که معصومین به افراد گفته اند باید چه کنند.

در نهایت عبيدالله ابن حر جعفى حرف امام را نپذیرفت و گفت: ای پسر رسول خدا، به خدا اگر یاریت کنم، نخستین کس خواهم بود که پیش رویت کشته میشود، اما تو به این اسیم بسنده کن و آن را برای خود بردار؛ که سوگند به خدا با این اسب، هر چه را که دنبال کرده‌ام، گرفته‌ام و از دست هر که مرا قصد کرده، گریخته‌ام. این اسب من، آن را بگیر! حسین علیه السلام از او روی برگرداند و گفت: مرا بر تو بر اسبت نیازی نیست و من کسی نباشم که همراهان از یار و یاور گیرم.

یکی دیگر از فوائد امام این است که اگر مى‌خواهی از شیطان در امان باشی راهش امامت است و هیچ راه دیگری ندارد.

امیرالمومنین به جناب کمیل روایتی دارد که مى‌فرماید: «يا كميل ان له فخاها ينصبها فاحذر ان يوقعك فيها يا كميل ان الارض مملوءة من فخاخهم فلن ينجو منها الا من تشبَّث بنا وقد اعلمك الله انه لينجو منها الا عبادة و عبادة اوليائنا و هو قول الله عزوجل» «ان عبادة لیس لك عليهم سلطان» و قوله عزوجل «انما سلطانه على الذين يتولونه و الذين هم به مشركون»

یعنى ای کمیل به درستی که ابلیس دام‌هایی دارد که بر سر راهت قرار داده شده است پس بترس از اینکه در آن گرفتار شوی، ای کمیل به درستی که زمین پر است از دام‌ها و کیدهای او و هرگز نجات ندارد کسی که از آنها مگر کسی که به ما اهل بیت پناهنده و متشبث شود و خدا تو را آگاه کرده آنجایی که در قرآن فرمود: به درستی که که بندگان من تنها نجات می‌یابند و «عباده»؛ یعنی بندگان خاص او؛ دوستان ما اهل بیت می‌باشند و خداوند در قرآن مى‌فرماید: به درستی که بندگان من را برای تو سلطنتی نیست و در آیه دیگر مى‌فرماید: به درستی که غلبه ابلیس بر کسانی است که او را دوست دارند و ولایت او را پذیرفته‌اند. لذا امیرالمومنین مى‌فرماید راه نجات از شیطان تشبث به ماست.

امیرالمومنین در ادامه مى‌فرماید: «يا كميل سم كل يوم باسم الله و قل لاحول ولا قوة الا بالله. و توكل على الله واذكرا و سم باسمائنا وصل علينا. و ادربلك على نفسك و ما تحوطه عنايتك، تكف شر ذلک اليوم ان شاء الله»

یعنى ای کمیل! هر روز بسم الله الرحمن الرحيم بگو، و سپس ذکر لاحول ولا قوة الا بالله را بخوان و توکل بر خدا کن، سپس اسامی، (ائمه معصومین) را بگو و بر آنها درود و صلوات بفرست و به خدا پناه ببر و بعد به ما پناهنده شود، و همچنین خود و اولاد و آنچه داری، همه را به خدا و ما بسپار، از شر آن روز مصون خواهی ماند.

پس به واسطه یاد ائمه معصومین و درود بر آنها بر همزات شیطان پیروز خواهیم شد.